

رویه دیوان کشور بر ورون شکایت

در مورد کارمندی که بعنوان عدم شمول مقررات قانون موخر حکم استخدامی قبلی او لغو گردیده است

یکی از کارمندان دولت از وزارت فرهنگ و اداره بازنشستگی شکایت نموده است به اینکه: بنا به پیشنهاد رئیس دانشکده پزشکی بموجب حکم وزارت فرهنگ از اول مهر ماه ۱۳۱۹ بسمت دستیاری دندانسازی یکی از بیمارستانها تعیین و پس از تصویب قانون اصلاح قانون تاسیس دانشگاه (۱۲ آبانماه ۱۳۱۹) وزارت فرهنگ طبق ماده ۱۹ قانون مزبور سمت مشارالیه را با تعیین پایه يك پزشك يكمی تأیید کرده است اداره بازنشستگی با استناد اینکه در موقع صدور حکم سمت دستیاری هنوز فارغ التحصیل از دانشکده دندانسازی نشده بوده و طبق ماده ۱۶ قانون اصلاح قانون تاسیس دانشگاه دستیاران باید از میان فارغ التحصیلان دانشکده پزشکی انتخاب شوند از تصدیق سمت مشارالیه خودداری نموده وزارت فرهنگ نیز پس از مکاتبات مکرر با اداره بازنشستگی و یاس از جلب موافقت اداره مزبور از عقیده خود عدول نموده و تقریباً پس از دو سال از رسمیت و عملی شدن سمتش در ۷ دیماه ۱۳۲۱ حکم قبلی را لغو کرده است وزارت فرهنگ (رئیس دانشگاه) از شکایت مزبور چنین جواب داده که بر طبق ماده ۲ قانون اصلاحی قانون تاسیس دانشگاه کارمندان دانشکده پزشکی سه دسته تقسیم (استادان - پزشکان بیمارستانها ضمیمه - دستیاران) و شرایط استخدامی هر يك از این سه دسته را همان قانون معین کرده و ماده ۱۶ آن قانون مینویسد (دستیاران از بین پزشکان فارغ التحصیل انتخاب و بر طبق قانون استخدام پزشکان استخدام خواهند شد) بنا بر این دستیار غیر دیپلمه قابل تصور نیست و پزشکانیکه دارای دانشنامه دکتری نیستند بر طبق قانون استخدام پزشکان با پایه پزشك دومی استخدام میگردند و ماده ۱۹ قانون مزبور مقرر میدارد که وزارت

فرهنگ میتواند استادان و دانشیاران و پزشکان و دستیاران را که رئیس دانشکده برای سمتهائی پیشنهاد نموده بهمان سمت ها بر قرار نماید ولی شرط اصلی داشتن دانشنامه دکتری از دستیاران سلب نگردیده و شاکی که در آن تاریخ دانشنامه دکتری نداشته نمیتوانسته پایه پزشک یکمی احراز کند بنا بر این وزارت فرهنگ حکم استخدامی او را اصلاح و حکم پایه پزشک دومی او را صادر کرده است - اداره بازنشستگی نیز خلاصه چنین جواب داده است که شاکی در تاریخ ۱۹۶۳/۱۹ که بسمت دستیاری دندانسازی بیمارستان تعیین گردیده دارای درجه دکتران بوده و در سال ۱۳۲۰ فارغ التحصیل و نائل باخذ دانشنامه دکتری شده و بهمین جهت استخدام مشارالیه منطبق با مواد ۱۹ و ۱۶ نبوده و بهر حال وزارت فرهنگ حکم خود را لغو و حکم سابق عملی نشده است و بر فرض ورود شکایت طرف شکایت وزارت فرهنگ است نه اداره بازنشستگی.

دادگاه عالی انتظامی که بموجب قانون مصوب آبان ۱۳۰۹ اجازه رسیدگی فرجامی را دارد در حکم شماره ۳۷ مورخ ۲۲/۹/۲۲ چنین رای داده است :

(از مراجعه بجواب اداره بازنشستگی و جوابی که وزارت فرهنگ بشکایت مشارالیه داده اند اینطور استفاده میشود که ماده ۱۹ قانون اصلاح قانون تاسیس دانشگاه مصوب آبان ۱۳۱۹ با لحاظ ماده ۱۶ که انتخاب دستیاران را مخصوص بفارغ التحصیل ها قرار داده مانع از موافقت با سمت دستیاری او قرار داده اند باین بیان که مشارالیه در تاریخ ابلاغ دستیاری فارغ التحصیل نبوده تا طبق ماده ۱۹ مستحق سمت مزبور شناخته شده و بدان سمت منصوب و حکم لازم در باره اش صادر گردد این اشکال وارد نیست زیرا بر قراری مشارالیه بسمت دستیاری در تاریخ ۱۹۶۳/۱۹ بوده است که هنوز در آن تاریخ قانون اصلاح تاسیس دانشگاه تصویب نشده بوده است بعبارت اخری ماده ۱۹ جز مواد مخصوص و بوزارت فرهنگ اختیار داده است کسانی را که قبل از مهرماه ۳۱۹ شاغل مشاغل مذکور در این ماده شده اند

بهر سستی که داشته اند منصوب و حکم لازم را در باره آنان صادر نمایند و چون مشارالیه قبل از مهر ماه ۳۱۹ باین شغل برقرار گردیده و در تاریخ برقراری نیز مانع قانونی وجود نداشته است اشکالی در نصب او بسمت دستیاری وجود نداشته و حق مخالفت با آنرا نداشته اند)

رویه دیوان کشور بر ورود شکایت

در مورد کارمندان کتراتی که در تطبیق حقوق نامبرده با قانون اضافات مدتی را که قبلاً بعنوان روزمزد خدمت کرده است بحساب نیاورده اند

یکی از کارمندان وزارت پیشه و هنر دیوان کشور شکایت کرده است که : مشارالیه از بهمن ۳۱۱ در وزارت پیشه و هنر استخدام شده و چون در آن موقع اعتبار ماهیانه در بودجه کارخانه قند که محل او بوده نبوده حکم استخدامش بطور روز مزد صادر و در سال ۱۳۱۵ که اعتبار لازم در بودجه کارخانه قند تامین گردید حکم مجددی به تبدیل حقوق او از روز مزدی بماهیانه صادر و در موقع افزایش حقوق سوابق خدمت روز مزدی او را منظور نداشته و بدو خدمتش را از سال ۱۳۱۵ محسوب داشته اند وزارت پیشه و هنر (اداره کارگزینی) در قبال شکایت او چنین دفاع کرده که (اظهار شاکی مبنی بر اینکه در بهمن ماه ۱۳۱۱ چون اعتبار حقوق ماهیانه در بودجه کارخانه قند موجود نبوده حکم روز مزد برایش صادر شده مورد تصدیق نیست زیرا کارخانه ها برای استخدام مستخدمین دائم خود همه ساله بودجه ثابتی دارند و فقط در مورد کارکنان روز مزد غیر ثابت ممکن است از مهلهای بهره برداری بودجه غیر ثابتی استفاده نمایند و چون در قانون افزایش حقوق کارمندان دولت مجوزی برای احتساب پیشینه اینگونه کارمندان نبوده از اینرو خدمات روز مزدی نامبرده که در ردیف خدمت ثابت قرار دادی حکم محسوب نیست)

دادگاه عالی انتظامی (که بموجب قانون مصوب ابان ۱۳۰۹ اجازه رسیدگی فرجامی داده شده) در حکم شماره ۳۹ مورخ ۲۲/۹/۲۲ پس از رسیدگی چنین رای داده است:

(بدیهی است مناط اعتبار در استفاده از اضافه حقوق وضعیت فعلی مستخدم است مثلاً اگر یک نفر قبلاً مستخدم رسمی بوده و سپس کترات شده و یا بالعکس کتراتی بوده و سپس مستخدم رسمی شده است در عین حال که سابقه اش را اعم از خدمت رسمی و یا کترات باید بحساب آورد هر وضعیتی را که در موقع استفاده از اضافه حقوق داراست با او رفتار خواهد شد این مسئله خالی از اشکال و غیر قابل تردید است چیزی که تا حدی در بادی امر نظری و قابل بحث خود را نشان میدهد این است که سابقه روز مزدی مستمر را برای مستخدم رسمی یا کتراتی که موثر در مقدار اضافه حقوق او میباشد میباشد بحساب آورد بانه اختیار یکی از دو شق مبنی است بر اینکه کارمند روز مزدی که چندی مستمر با این نحو بکار مشغول بوده در عداد کارمندان دولتی محسوبند یا نه با مزایائی که در قانون اضافات برای این قسم از کارمندان مقرر گردیده تردیدی نیست که این طبقه کارمند دولتی محسوب بوده و مدت خدمتشان را که موثر در امر اضافات است بایستی بحساب آورد بنا بر این شکایت شاکی که از ۳۱۱ تا ۳۱۵ بطور مستمر کارمند روز مزد بوده و در حالیکه کتراتی بوده مواجه با قانون اضافات شده وارد و باید مدتی را که بطور روز مزد کار میکرده جزء سابقه کتراتی او محسوب دارند)